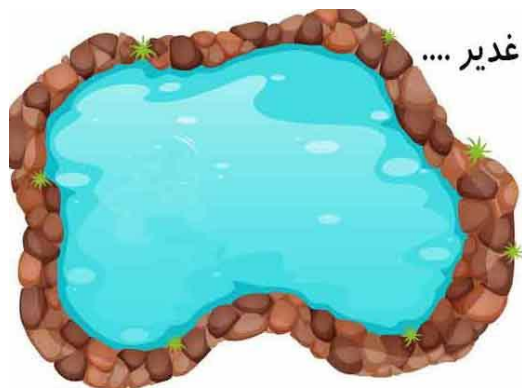


حسب الله

روزی پیامبر ما
یه جا به نام غدیر



گفت به همه آدما
هنرکسی من بوده ام
بزرگ و رهبر او
از این به بعد علی هست
امام و سرور او
از اون به بعد علی شد
امام ما مؤمن ها
عید می گیریم اون روز
تا باشد دنیا دنیا



علی امام ما هست
این همه می دونیم

ما علی رو دوست داریم
شیعه ی او می مونیم

دستِ علی دوباره

تو دست پیغمبره

دستِ اونو محمّد

به آسمون می بره

به گوش دنیا می گه

محمّد امینم

به گفته ی خداوند

علی ست جانشینم^۱

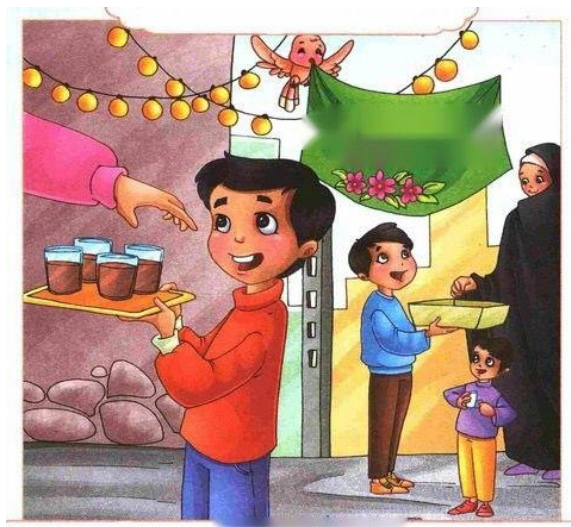


به به رسیده

یک عید زیبا

این عید مبارک

بر کل دنیا



بچه ها شادی کنید، آمده عید غدیر

بازگوید ما درم، قصه های دلپذیر

بار دیگر شهر ما، نورباران می شود

بافروغ چلچراغ، شب چراغان می شود

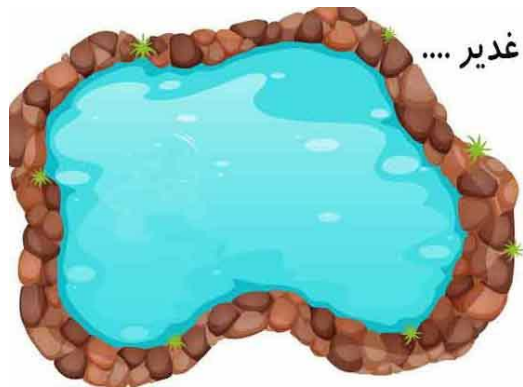


بازهم امشب پدر، نقل و شیرینی خرید
باز بوی عطر و گل، می دهد پیغام عید

بنده ی خوب خدا، یار پیغمبر علی علیه السلام
او امام اول است، بهترین رهبر علی علیه السلام

بانگ قرآن مجید، می رسد از کوزه ها
مژده ی عید غدیر، شادی ما بچه ها





غدیر چشمه ی جوشان
غدیر، آب خروشان

غدیر، یه برکه ی خوب
غدیر، یه روز محبوب

غدیر، یه روز زیبا
یه عیدِ خوبِ خدا

غدیر، عید ولایت
شده روز هدایت

پیغمبر خدا گفت
نبی مصطفی گفت

علی امام شماست
برایتان رهناست

امام متقینه
امیرالمؤمنینه



حرف شیطان گوش نشه
غدير فراموش نشه

ما بچه های شیعه
باهم می گیم همیشه

غدير دوست می داریم
جشنای خوب می گیریم





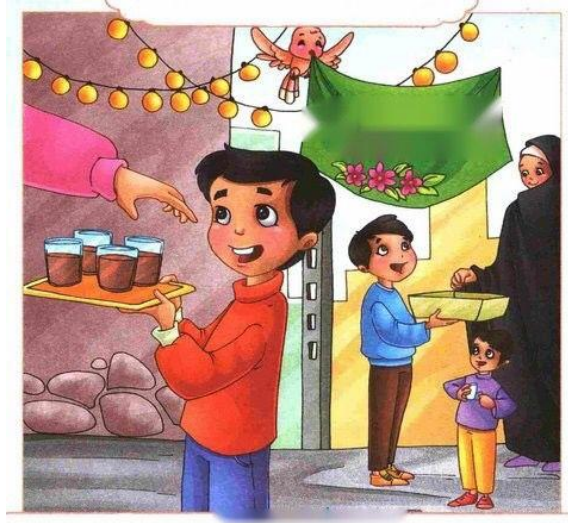
آی بچه‌ها قصه دارم، قصه‌ی شایسته دارم
قصه‌ی من خیالی نیست، تو رؤیاها و بازی نیست
نگاه کنید به اون دورا، دستا همه بالای بالا

کی حاضره، دست بزنه
کی بیداره، دست بزنه
کی هوشیاره، دست بزنه

صدای دستا آشناست، فکر کنم اینجا خبراست
خبر او مد، خبر او مد، غدیر او مد، غدیر او مد
غدیر چیه، غدیر کیه، نکنه که اون خوردنیه

پوشیدنیه؟ نه و نه و نه
چشیدنیه؟ نه و نه و نه
خوردنیه؟ نه و نه و نه

غدیریه روز با صفاست، برای من و مامان و باباست
برای تو ا، برای اوناست، برای تموم بچه‌هاست
نگاه کنید به اون دورا، دستا همه بالای بالا



کی حاضرہ، دست بزنہ
 کی بیدارہ، دست بزنہ
 کی ہوشیارہ، دست بزنہ

کاردارم با دستاتون، عہدی ببندم باہاتون
 عہد تو و امام علی کہ باشہ بر تو ہم ولی
 روز غدیر پیامبرت کہ حج آخرش رو کرد

رفت بہ یک جای بلند، امام علی رو صدا کرد
 دستاشو ہی کشید بابا، بالای بالا، بازم بالا
 گفت کہ من دارم میرم، دعوا نکنید تو رو بہ خدا

ہرکی کہ من امامشم، رئیسشم، رفیقشم، وقتی برم پیش خدا
 امام علی امامشہ، رئیسشہ، رفیقشہ،
 تو شدی با اون آشنا، حرف علی رو

گوش بکن، تو قلب و سینہ حفظ بکن
 یادت بمونہ ہمیشہ، تو ہم بیا بیعت بکن

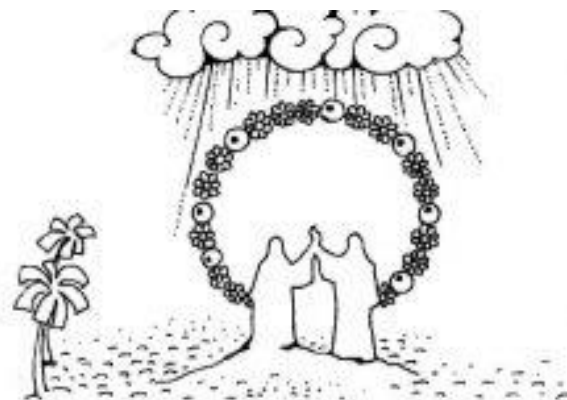


نگاه کنید به اون دورا، دستا همه بالای بالا

کی حاضره، دست بزنه
کی بیداره، دست بزنه
کی هوشیاره، دست بزنه

من او مدم که دست بدم به دست زیبای علی
نوبت من هم رسیده، شدم یه شیعه علی
دستا بالا، به هم گره

دست کیه اون وسطا، ... دست منه
دست کی تو دست علی ست، ... دست منه
دست کی خیلی محکمه، ... دست منه
دست کی بیعت می زنه، دست منه



دستا پايين، رو قلباتون

قلب کی تو قلب علی ست، قلب منه
قلب علی تو قلب کیست، قلب منه
حب علی تو قلب کیست، قلب منه
عشق علی تو قلب کیست، قلب منه
مهر علی تو قلب کیست، قلب منه

علی امام اول، همسر و یار فاطمه
پدر امام حسن و حسین، کریم و شفیع عالمین
دوستش دارم یه عالم، هرچی بگم بازم کمه
اوست که تاج سرمه، همیشه توی قلبمه
واسه همین: منم میگم، دوستش دارم
دوستش دارم یه عالم، هرچی بگم بازم کمه



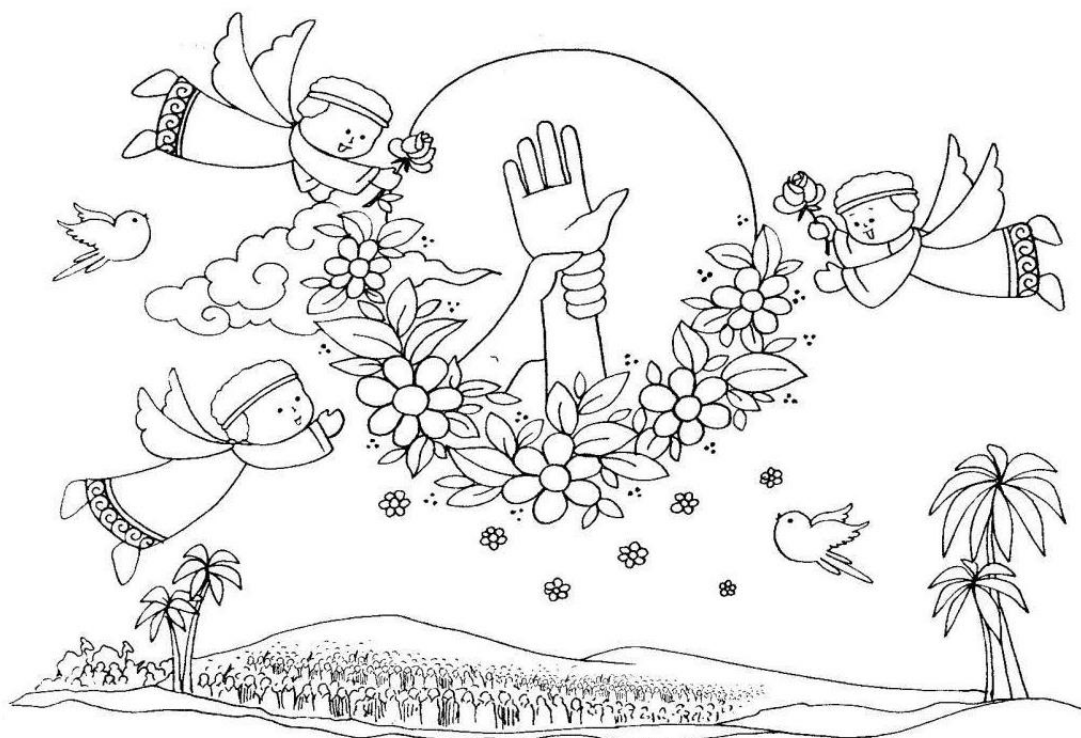
ما بچه‌های شیعه، در روز عید غدیر
این روز و جشن می‌گیریم، یه جشن بس بی نظیر
بابا نوشت چه زیبا، رو پارچه‌های حریر
به خط خوش، یا علی (ع)، چسبوندشون تو مسیر
ریسه و لامپ کشیدیم، بلندگوها رو تعمیر
صندلی‌ها رو چیدیم، به روی چند تا حصیر
پرسیدم از بابا جون، قصه عید غدیر؟
گفتم بابا این سؤال، ذهنم و کرده درگیر
گفت بابا اون قدیما، خدای حق و بصیر
داد به نبی این پیام، عمل به امری خطیر
در آخرین حج خود، بدون حتی تأخیر

رسان پیام من را، به گوشِ جمعی کثیر
 پیامبر این نکته را، عمل نمود و تدبیر
 رساند پیام حق را، به گوششان در کویر
 خدا به احمد بگفت، اینک نبی دلیبر
 دستِ علی رو حالا، بیا تو بالا بگیر
 بگو به آن جماعت، با صد سلام و تکبیر
 « که بعد من فقط هستی، علی براتون امیر »
 آره عزیز جوئم، با جشن و شور و تقدیر
 بدون که می کنیم ما، پیام عید تکثیر
 ... حالا بیا کمک کن، به من که خیلی شد دیر^۱



در قرآن نامی از ایشان نیامده است، اما با ارائه ویژگی‌ها، صفات منحصر به فرد وی آیه‌ای نازل شده و به معرفی ایشان پرداخته شده که قابل تطبیق بر هیچ کس، جز وجود ایشان

نیست.^۳ در هنگام حکومت ایشان امکانات بیت‌العمال را بین مردم به صورت مساوی تقسیم می‌کردند. غذایشان ساده بود و در مهمانی‌هایی تکلف حضور می‌یافت. جابر بن عبدالله انصاری از اصحاب و یاران پیامبر (ص) می‌گوید: در منته، کنار پیامبر (ص) نشسته بودیم که او هم به جمع ما پیوست. پیامبر (ص) فرمود: «برادرم می‌آید. قسم به خدایی که جانم در دست اوست، همانا این شخص و شیعیانش از رستگاران هستند.»



^۳ از جمله: در آیه ۵۵، سوره مائده، آیه ۷، سوره بینه و یا آیه ۹، سوره انسان که درباره بخشش ایشان و خانواده‌اشان به مسکین، یتیم و اسیر کمک کردند. (انسان/سوره ۷۶، آیه ۹ که به معرفی شخصیت ممتاز و برجستگی‌های آن خانواده پرداخته است.)